



مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت‌شناسی

مجید ابرانشاهی^۱

زهرادشت لعلی^۲

محمد رضا دلوی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

چکیده

این پژوهش باهدف طراحی و تبیین مدل جامع مدیریت اسلامی بر پایه رویکرد معرفت‌شناختی و با استفاده از روش تحقیق آمیخته (کیفی-کمی) انجام شده است. در مرحله کیفی، ۱۵ نفر از خبرگان حوزه مدیریت اسلامی از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری گردیده است. سپس این داده‌ها با نرم‌افزار MAXQDA و روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شدند و مؤلفه‌های اصلی مدیریت اسلامی شناسایی و استخراج گردیدند. در مرحله کمی، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته بر اساس مؤلفه‌های استخراج‌شده طراحی و بین متخصصان و پژوهشگران این حوزه توزیع شد. داده‌های پرسش‌نامه با بهره‌گیری از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی در سطح معناداری ۰.۰۵ تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که مدیریت اسلامی بر سه رکن کلیدی «معرفت دینی»، «ارزش‌های الهی» و «اصول اخلاقی اسلام» استوار گردیده است. این مؤلفه‌ها در قالب مدلی جامع و ساختارمند تبیین شدند که بر اصولی چون عدالت، اخلاق، معنویت، مسئولیت‌پذیری و اعتماد تأکید دارد. مدل پیشنهادی، چارچوبی کاربردی برای پیاده‌سازی مؤلفه‌های اسلامی در نظام‌های مدیریتی ارائه می‌دهد و می‌تواند به‌عنوان الگویی مؤثر و اثربخش برای ارتقای عملکرد مدیران در سازمان‌ها و جوامع اسلامی عمل کند. این مدل باتکیه بر مبانی معرفتی اسلام، راهکارهای عملی برای بهبود کیفیت مدیریت ارائه کرده و به‌عنوان مبنایی علمی برای توسعه دانش مدیریت اسلامی در حوزه‌های نظری و عملی کاربرد دارد. پژوهش حاضر با تقویت ادبیات مدیریت اسلامی، گامی مؤثر در جهت تدوین استراتژی‌های مدیریتی، سیاست‌گذاری‌های کلان و هدایت تحقیقات آینده در این حوزه برمی‌دارد و به توسعه دانش و عمل مدیریت اسلامی کمک شایانی می‌کند.

کلمات کلیدی

مدیریت اسلامی، معرفت‌شناسی، مدل مدیریت اسلامی

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. Majid.iranshahy@gmail.com

۲- استادیار، گروه مدیریت، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول) Zahra.dashtlaali@gmail.com

۳- دانشیار، گروه مدیریت، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. mdelvi@dehaghan.ac.ir

مدیریت، به عنوان یکی از ارکان بنیادین علوم انسانی، نه تنها ابزاری برای اداره سازمان‌ها و جوامع، بلکه تجلی‌گاه نظام‌های ارزشی، جهان‌بینی‌ها، و چارچوب‌های معرفت‌شناسانه‌ای است که یک تمدن را تعریف می‌کنند (نورث‌هاوس، ۱۳۹۸). معرفت‌شناسی، به عنوان دانشی که به چیستی معرفت، منابع آن، و روش‌های تولید دانش می‌پردازد، نقشی محوری در تدوین مدل‌های مدیریتی ایفا می‌کند، زیرا مبانی معرفتی هر جامعه، جهت‌گیری‌های نظری و عملی مدیریت را تعیین می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲). در جهان معاصر، تقابل میان علوم انسانی اسلامی و غیراسلامی، به ویژه در ایران پس از انقلاب اسلامی، به ظهور پارادایم‌های متفاوتی در مدیریت منجر شده است. این تقابل، ریشه در تفاوت‌های بنیادین معرفت‌شناسانه دارد که علوم انسانی اسلامی را به سمت تدوین مدل‌های مدیریتی بومی و ارزش‌محور سوق داده است (مطهری، ۱۳۹۰). علوم انسانی اسلامی، با تأکید بر پیوند میان معرفت، اخلاق، و اهداف متعالی الهی، مدیریت را به ابزاری برای تحقق عدالت، تعالی انسان، و استحکام تمدن اسلامی تبدیل می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵). معرفت‌شناسی اسلامی، برخلاف معرفت‌شناسی غربی که عمدتاً بر عقل‌نویساد، تجربه‌گرایی، و رویکردهای پوزیتیویستی متکی است، معرفت را در چارچوب توحید و از طریق منابع سه‌گانه وحی، عقل، و تجربه تعریف می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲). وحی، به عنوان منبع اصلی معرفت، نه تنها به شناخت حقایق الهی کمک می‌کند، بلکه چارچوبی اخلاقی و ارزشی برای عمل ارائه می‌دهد که در مدیریت اسلامی به صورت اصول عدالت، اخوت، و مسئولیت‌پذیری متجلی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵). این نگرش، مدیریت را از یک فرایند صرفاً تکنیکی و سودمحور به یک رسالت تمدنی ارتقا می‌دهد که هدف آن، هدایت جامعه به سوی سعادت دنیوی و اخروی است. در مقابل، معرفت‌شناسی غربی، با تأکید بر فردگرایی و کارایی اقتصادی، اغلب از ارزش‌های متعالی و پیوند با اهداف جمعی غفلت می‌ورزد (داوری اردکانی، ۱۳۹۴). معرفت‌شناسی اسلامی، با قراردادن معرفت در خدمت تحقق آرمان‌های الهی، مدیریت را به فعالیتی هدفمند تبدیل می‌کند که نه تنها به اداره سازمان‌ها، بلکه به تحول فرهنگ، تقویت هویت اسلامی، و پایداری نظام‌های اجتماعی می‌پردازد (حسن‌زاده، ۱۳۹۶). مدیریت اسلامی، به عنوان الگویی برآمده از معرفت‌شناسی اسلامی، مدیران را به عنوان عاملان محوری در تحول سازمانی و اجتماعی معرفی می‌کند که مسئولیت‌هایی فراتر از کارایی سازمانی بر عهده دارند. این نوع مدیریت، باتکیه بر اصولی نظیر عدالت، روابط اجتماعی مبتنی بر اخوت اسلامی، و تعهد به ارزش‌های الهی، نقشی تعیین‌کننده در پایداری نظام‌های حکومتی و تقویت بنیان‌های تمدنی ایفا می‌کند (امیری و عابدی جعفری، ۱۳۹۴). برای نمونه، تأکید بر عدالت به عنوان

مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت‌شناسی/ایران‌شاهی، دشت‌لعلی و دلوی

یکی از مؤلفه‌های کلیدی مدیریت اسلامی، نه‌تنها توزیع عادلانه منابع را تضمین می‌کند، بلکه به ایجاد انسجام اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها کمک می‌کند (شریعتی، ۱۳۹۷). در این چارچوب، مدیریت اسلامی به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های معاصر نظیر جهانی‌سازی، تهاجم فرهنگی، و بحران‌های اقتصادی، ضرورتی مضاعف می‌یابد. این چالش‌ها که هویت و استقلال جوامع اسلامی را تهدید می‌کنند، نیازمند مدل‌های مدیریتی بومی هستند که ریشه در ارزش‌ها و مبانی معرفتی اسلامی داشته باشند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت‌شناسی، تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از مبانی نظری اسلامی، چارچوبی جامع برای اداره سازمان‌ها و جوامع ارائه دهد. این مدل، با تأکید بر پیوند میان معرفت و عمل، نه‌تنها شکاف میان نظریه و اجرا را پر می‌کند، بلکه الگویی کارآمد و ارزش‌محور برای مدیریت در بستر تمدن اسلامی فراهم می‌آورد. برای نمونه، مفهوم مدیریت جهادی که از سوی رهبر انقلاب اسلامی مطرح شده، به‌عنوان یکی از مصادیق عملی این مدل، نشان‌دهنده ظرفیت آن در پاسخ به نیازهای معاصر است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). این مقاله باهدف تبیین مدل مدیریت اسلامی مبتنی بر معرفت‌شناسی، به بررسی مبانی نظری، مؤلفه‌های کلیدی، و کاربردهای عملی این مدل می‌پردازد. در ادامه، ابتدا چارچوب معرفت‌شناسی اسلامی و تمایز آن با معرفت‌شناسی غربی تشریح شده، سپس مؤلفه‌های مدل مدیریت اسلامی، شامل عدالت، اخوت، مسئولیت‌پذیری، و مدیریت جهادی، تحلیل گردیده و در نهایت، الزامات اجرایی و چالش‌های پیاده‌سازی این مدل در سازمان‌ها و جوامع اسلامی بررسی خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

باوجود پیشرفت‌های قابل‌توجه در حوزه مدیریت، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در کشورهای اسلامی با چالش‌های جدی در زمینه عدالت سازمانی، شفافیت و اخلاق حرفه‌ای مواجه هستند. این چالش‌ها ناشی از عدم تطابق شیوه‌های مدیریتی رایج با ارزش‌ها و اصول دینی است. از سوی دیگر، فقدان یک مدل جامع و علمی مبتنی بر معرفت‌شناسی اسلامی، باعث شده است که بسیاری از مدیران در مواجهه با مسائل پیچیده سازمانی، نتوانند از ظرفیت‌های دینی و اخلاقی اسلام بهره‌مند شوند (مصباح یزدی، ۱۴۰۱). در این راستا، طراحی و تبیین یک مدل مدیریت اسلامی که مبتنی بر معرفت‌شناسی دینی و ارزش‌های الهی باشد، ضروری به نظر می‌رسد. این مدل می‌تواند به مدیران کمک کند تا در عین حفظ اصول دینی و اخلاقی، به‌طور مؤثرتری با چالش‌های سازمانی مواجه شوند. همچنین، این مدل می‌تواند به عنوان یک چارچوب نظری برای پژوهش‌های آینده در حوزه مدیریت اسلامی مورد استفاده قرار گیرد (نقی‌پورفر، ۱۴۰۲).

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۴

تبیین پیش‌فرض‌ها و مبانی هر دانشی به‌ویژه در مباحث مدیریتی کلان، موجب می‌شود تصویر دقیق و صحیحی از آن دانش ایجاد شود. علاوه بر آن تبیین مبانی در تعیین اهداف، عوامل، مراحل و شیوه‌ی کار یک مدیر نقش اساسی دارد، بدین رو پرداختن به مبانی دانش مدیریتی و خصوصاً مدیریت اسلامی و مدیریت جهادی امری اجتناب‌ناپذیر است.

واژه مبانی از ریشه بنا و به معنای پایه، بنیاد و زیرساخت است، پس هرچه موجب پیدایش ساختار می‌شود مبانی و پایه‌های آن به‌شمار می‌رود. معادل انگلیسی واژه مبانی Fundamentals است که به همین معنای پایه، شالوده و بنیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. مبانی و اصول در اصطلاح به سلسله معارف نظری گفته می‌شود که جنبه‌های مختلف یک موضوع، از جمله جنبه‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی آن را در بردارند. این معارف با بینش‌ها، باورها و احکام ناظر به هست و نیست‌ها سروکار دارند و پایه‌ها و زیرساخت‌های معرفتی علوم را تشکیل می‌دهند.

در تعریف مدیریت گفتند: برنامه‌ریزی و سازماندهی و بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل آنها برای دستیابی به اهداف سازمانی و استفاده مؤثر و کارآمد از منابع مادی و انسانی بر اساس شرایط توافق شده. فرایند استفاده. نظام ارزشی. مدیریت می‌تواند به اشکال مختلف ظاهر شود. اما درعین حال می‌تواند پاسخگوی دغدغه‌های متدینین جامعه اسلامی باشد و به دستاوردهای بزرگی که با رنگ اسلامی عجین شده است پی ببرد. مدیریت اسلامی یک نظام ارزشی ثابت و لایتغیر مبتنی بر نیازهای ثابت و همیشگی انسان، مبتنی بر فطرت و خلقت و تنظیم شده توسط وحی، کتب و روایات است. تفاوت این نوع مدیریت با سایر نظام‌های مدیریتی در این است که این نوع مدیریت حاصل یک نظام ارزشی مبتنی بر فرهنگ و تمدن اسلامی است. مدیریت در زندگی انسان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد، عمدتاً با کمک مدیریت، افراد می‌خواستند از مواد و منابع هستی استفاده کنند و نوع تفکر و شخصیت فرد، روند و سبک آن را تعیین می‌کند. مدیریت نوع تفکر مدیریت غربی منجر به افزایش سود می‌شود. به همین دلیل، افراد شاغل در جهان امروز متحمل آسیب‌های غیرقابل مقایسه شده‌اند. مکتب انسان‌شناسی اسلام به دنبال تربیت خلیفه مقدس است، یعنی شخصیتی والا که مظهر شخصیت خدای حقیقی باشد.

برخی از ویژگی‌های مدیریت اسلامی

۱- کمال معنوی / قرب الی الله

۲- تأمین نیازهای مادی و معنوی جامعه

مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت شناسی/ایران‌شاهی، دشت‌لعلی و دلوی

۳- جلوگیری از وابستگی اجتماعی در درازمدت (دوراندیشی)

رعایت ارزش‌ها و انتخاب روش‌ها

مدیریت در نظام ارزشی اسلامی یک فرایند آموزشی است. اعمال انسان به سطح دانش، آگاهی و درک بستگی دارد، هر چه دانش فرد عمیق‌تر باشد، تأثیر آن بر رفتار او بیشتر و برای رفتار او ارزش بیشتری دارد. مدیر از نظر ارزشی باید دارای صفات و شرایط اخلاقی و از نظر مدیریتی دانش فنی و مهارت‌های لازم برای این کار را داشته باشد (دهکردی، اکبر جوکر ۱۳۹۵). مدیریت اسلامی سبکی از مدیریت است که همه افراد گروه را مسئول و تحت تأثیر ارزش‌های هدایت شده توسط نظام ارزشی اسلامی می‌داند. وجه تمایز مدیریت اسلامی با سایر نظام‌ها، نظام ارزشی برخاسته از جهان بینی الهی است. این جهان بینی کل هستی را متعادل و هدفمند می‌بیند که ربا بر آن حاکم است. در اداره اسلامی یک تمرکز الهی وجود دارد، یعنی انسان را شایسته کرامت انسانی می‌داند و به قرب الهی و رسیدن به مقام خلیفه الله تمایل دارد و این هدف است. هدایت و رشد یک فرد است و مدیر اسلامی از افراد سازمان خود می‌خواهد که دائماً پیگیر پیشرفت مادی مؤسسه باشند و شرایط را فراهم کنند. برای کارکنان مهم است که به رشد و بلوغ معنوی افراد در سازمان فکر کنند، مردم به عنوان یک جامعه زندگی می‌کنند، هر جامعه یا گروهی به یک رهبر یا مدیر نیاز فوری دارد تا آن را هدایت کند جامعه‌ی بشری برای رسیدن به هدف، به مدیرانی احتیاج دارد که هم هدف را خوب بشناسند و هم ابزار رسیدن به هدف را. همانطور که استاد مطهری می‌فرمایند: «مدیریت صحیح از ضعیف‌ترین ملت‌های دنیا، قوی‌ترین ملت‌ها را می‌سازد، آنچنانکه رسول خدا (ص) عمل کرد، این معجزه‌ی رهبری است.» امام (ره) می‌فرمایند: «هدف ربوبیت و رهبری در اسلام تبلور بخشیدن به اسماء حسنا‌ی الهی و عینیت بخشیدن به ارزش‌های انسانی اخلاقی است. هدف اصلی خلقت و هدف مذاهب اسلامی تقرب به خداوند است. در سبک حکومت اسلامی با ابتکار افراد و گروه‌ها هدایت نمی‌شود، با ارزش انسانیت هدایت می‌شود. اساس حکومت و حکومت اسلامی، حکومت برای احقاق حقوق است. حکمرانی در جامعه بشری لازم است تا خداوند پیام هدایت و هدایت بشر را بفروشد و بشر را بدون مدیر و رهبر رهبر بگذارد و اصلاً هدف رسالت پیامبران و امامان رساندن پیام الهی، امامت و رهبری در جوامع بشری است. به‌طوری‌که خداوند در حجه الوداع می‌فرماید: که موضوع امامت را به مردم ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی رسالت را انجام نداده‌ای این موضوع تأکید فراوان بر این است که پیامبر اکرم (ص) جانشین و مدیر بعد از خود را معرفی کند. امام رضا (ع) در این باره می‌فرمایند: «در مطالعه‌ی احوال بشر هیچ گروه و ملتی را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشند، مگر بوجود مدیر و

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۴

سرپرستی که امور مادی و معنوی آنان را مدیریت نماید. «پیامبر اکرم (ص) بدین جهت مبعوث شد تا با مدیریت خویش، بار سنگین و کمرشکن را از روی دوش انسان‌ها بردارد.

حکومت و ولایت پیامبران تماماً از جانب پروردگار بوده و طی یک برنامه‌ی معین و منظم تنظیم شده است. حکومت واقعی و مدیریت اصلی در اسلام از جانب خداست و خداوند نماینده‌های خود را در جهان به‌عنوان امام و رهبر معرفی کرده است تا آنها وظیفه‌ی مدیریت و رهبری در جهان را برعهده گیرند. همان‌طور که امام علی (ع) در جواب «لا حکم الا لله» خوارج می‌فرماید: سخن حقی است که از آن اراده‌ی باطل شد. مدیریت یکی از اصول هدایت انسان‌ها به‌سوی هدف والای انسانی است (دهکردی، اکبر جوکار ۱۳۸۶). مدیریت در یک تعریف، دانش و هنری است که انسان و منابع انسانی را در جهت رسیدن به یک هدف خاص از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی و کنترل و نظارت، یاری می‌کند. عناصر مهم موجود در این تعریف، انسان، هدف خاص، برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل و نظارت است. یک مدیر اسلامی باید این پارامترها را در سازمان خود به نحوی تبیین کند که نه تنها با اسلام و مبانی اسلامی منافات نداشته باشد بلکه با آن سازگاری نیز داشته باشد. یک مدیر اسلامی با استفاده از آموزه‌های اسلام، این عناصر را کاملاً تعریف و جهت‌دهی می‌کند.

نویسندگان و صاحب‌نظرانی که در حوزه مدیریت اسلامی و دیدگاه اسلام به مدیریت نوشته‌اند، هر یک به ترسیم اسلام، بنیان اخلاقی و سیره پیامبر (ص) و معصومین (علیهم‌السلام) مستقیماً تعریف یا توضیحی دارند یا به طور غیرمستقیم که مفهوم مدیریت اسلامی است. استفاده می‌شود. با توجه به اینکه دامنه این مفاهیم و تعاریف (که عمدتاً مبتنی بر ارزش‌ها و مبانی اخلاقی مکاتب اسلامی و تاریخ پیشوایان دینی است) در انواع دیدگاه‌ها گسترده و متنوع است (درعین‌حال نزدیک به هر یک). دیگر برخی از تعاریف مدیریت ذکر شده است:

«افزایی» مدیریت اسلامی را مقوله‌ای از مکتب می‌داند و از نظر وی کارکرد مدرسه ارائه راهکارهایی منطبق با مفهوم عدالت است (گروه نویسندگان، ۱۳۹۳). «حمیدی زاده» نیز بر این باور است که نظام مدیریت اندیشه اسلامی مبتنی بر اصول اعتقادی اوست و از این رو مدیریت گروهی از مردم و یک سازمان همانند مدیریت جهان آفرینش است و از این جهت او می‌بیند. مدیریت به عنوان. ادراک می‌کند و رهبر نیز عضوی از این خلقت است که باید با قوانین و مقررات همراه و تنظیم شود. باید کلی باشد، زیرا سازمانی که به او سپرده می‌شود نظم عمومی جهان و توسعه فعالیت‌های انسانی برای دستیابی به استانداردهای بهتر را هدف قرار می‌دهد (مدیریت). «مدیریت در اسلام» بدون در نظر گرفتن اعتقاد به معاد یا دنیا ناقص است. در واقع محتوا و مسائل مدیریت در اسلام، متفاوت از جهان

مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت شناسی/ایران‌شاهی، دشت‌لعلی و دلوی

دیگر، مدیریت غربی است (مشرف جوادی، ۱۳۹۳). تا آنجا که مدیریت اسلامی در درجه اول مبتنی بر اعتقادات یک جهان بینی توحیدی است و به معنای مدیریت صحیح امور برای دریافت نعمت های الهی است. به عبارت دیگر، همه اعمال و رفتار افراد یا رهبران باید بر اساس جهان بینی توحیدی باشد و فلسفه توحیدی اقتضا می‌کند که اعمال رهبر نه تنها با جهان بینی توحیدی منطبق باشد، بلکه با اصول و اهداف کلامی نیز منطبق باشد. جامعه اسلامی (مشرف جوادی، ۱۳۹۳). و برای دستیابی به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف سازماندهی مدیریت و استخدام بر اساس کتاب و سنت و روش پیامبر (ص) و امامان معصوم و علوم و روشها و تجربیات بشری این تعریف را اسلامی تعریف کرده است. مدیریت: مدیریتی که اساس رشد است. ما آن را مدیریت اسلامی می‌نامیم که مردم را در مقابل خود قرار دهد و مانند یک تیر عمل کند (مشرف جوادی، ۱۳۹۳). حضرت آیه ... مصباح یزدی نیز از حکومت اسلامی سه معنا و تعبیر می‌کند: ... نشانه های مسلمان بودن را نشان دهد. برگرفته از آنها، معنای سوم، امر حاکم بر اسلام در منابع اسلامی (قرآن و سنت) است. مدیریت از منظر «اصغری» و از منظر اسلام که در جامعه اسلامی جریان دارد

چارچوب نظری پژوهش

در تعریف این واژه، دانشمندان و نظریه‌پردازان سخن‌ها گفته‌اند که ذکر حتی بخشی از آنها در این مختصر ممکن و میسر نیست. مدیریت یعنی کنترل عناصر مسئول زیردست، به آرتانن بوم از نظر طوری که تلاش‌های آنان در تحقق اهداف دستگاه تشکیلات هماهنگ شود (عباس‌زادگان، ۱۳۶۸)، عباس‌زادگان، ۱۳۶۸ نیز بر این باور است که مدیریت یعنی هماهنگی همه امکانات و منابع از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل، معتقد مک فارلند، به‌طوری‌که هدف‌های مشخصی تحقق پذیرد (عباس‌زادگان، ۱۳۶۸) مدیریت عبارت است از فرایندی که به‌وسیله آن مدیران به ایجاد، هدایت و حفظ سازمان‌های متضمن هدف از طریق تلاش انسانی منظم و توأم با همکاری و ... هماهنگی می‌پردازند (ایران‌نژاد پاریزی، ۱۳۷۱) مدیریت علمی عبارت است از مهندسی کارایی سازمان که با نگرش مکانیکی و فیزیولوژیکی سازمانی، استاندارد کردن و تحلیل عملیات در پی حداکثر بهره‌وری با حداقل هزینه، زمان و نیروی کار همراه است. در مفهوم مدیریت علمی نکته اصلی رویکرد مکانیکی - تحلیلی است. در دو مکتب لیبرالیسم و اسلام. مرور بینش متفکران اسلامی در مدیریت اسلامی، موضوع خاص هدف در این زمینه اهمیت اساسی آن را در ایجاد تفاوت بین دو رویکرد اسلامی و غربی و در نتیجه دو نوع سرنوشت انسان "رفاه" یا "بدبختی" نشان می‌دهد هنرآفرینش و خلیفه و جانشین خدا در زمین. بالین‌وجود، توجه به این مبحث اساسی در آثار ارزشمند اندیشمندان مدیریت اسلامی، گاه کلی‌نگر،

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۴

پراکنده و حتی نمایشگرانه ناقص است؛ بنابراین با استفاده از آنها و همچنین آیات و روایات در این تحقیق، سعی می‌شود ضمن جمع‌آوری متن تولید شده با استفاده از روش پایگاه‌داده، الگویی برای تعریف موضوع هدف در مدیریت اسلامی ارائه شود. (مقدسی ۲۰۲۰، ۲) چیزی به نام مدیریت در همه کشورهای جهان وجود دارد، اما معنای آن به معنای کم یا زیاد از یک کشور به کشور دیگر تفاوت می‌کند. درک فرایندها، فلسفه و مسائل آن نیازمند بینش فرهنگی و تاریخی عمیقی است. یک فرد باید به‌طور کامل درداشتن این فرض محتاط باشد و قبل از آنکه آن را ثابت شده پندارد، این فرض را بیازماید. مدیریت پدیده‌ای نیست که بتوان آن را از دیگر فرایندهایی که در یک جامعه رخ می‌دهد جدا کرد.

معرفت‌شناسی

برای بررسی حوزه معرفت‌شناسی و وجودشناسی موارد را باید موردبررسی قرار داد که اولی آن منبع معرفت می‌باشد، سپس حوزه وجودشناختی است. رویکردهای متفاوتی در حوزه معرفت‌شناسی به دنیا برقرار می‌باشد. دست‌یافتن به مفهوم علم دینی و نیز مدیریت اسلامی مستلزم تأمل در باب علم و معرفت‌شناسی، دین و دین‌شناسی و نسبت آنها با یکدیگر است. در چنین صورتی است که مشخص می‌شود آیا مجالی برای تحقق علم دینی و مصادیق آن، از جمله مدیریت اسلامی فراهم می‌شود یا خیر (باقری، ۱۳۸۲) واژه معرفت و معادل ای در زبان فارسی و عربی به معنای آگاهی و شناخت و ادراک است. (حسین‌زاده ۱۳۸۸) معرفت‌شناسی دانشی است که درباره چیستی معرفت انسان، راه‌های دستیابی به آن، حقیقت صدق و تعیین معیار صدق و تعیین معیار صدق و کذب (ارزش شناخت) بحث می‌کند. (حسین‌زاده، ۱۳۸۸) اقسام معرفت حضوری همگانی را می‌توان به شرح ذیل برشمرد: ۱. معرفت به خود ۲. معرفت به قوای خود ۳. معرفت به حالات نفسانی ۴. معرفت به افعال قلبی یا جوانحی نفس خود ۵. معرفت به مبدأ خود ۶. معرفت به خود مفاهیم و صورت ای ذنی که اشیا را با آنها می‌شناسیم. (حسین‌زاده، ۱۳۸۸)

معرفت دینی مجموعه شناخت‌هایی است درباره ادیان تحریف نشده الهی که در بخش‌های عقاید، اخلاق و احکام و به عبارت دیگر، در بخش‌های هست‌ها و باید‌ها وجود دارد. (حسین‌زاده، ۱۳۸۸) معرفت‌شناسی به طور کلی دو شاخه می‌شود؛ یکی معرفت‌شناسی به معنای عام هست و دیگری معرفت‌شناسی به معنای خاص. در معرفت‌شناسی عام در مورد هرگونه معرفتی صحبت می‌شود، حتی علم فرد به هوای اطراف خود، اما معرفت‌شناسی به معنای خاص، فلسفه علم است. این علم یک معرفت نیست، یک سری تصورات و تصدیقات مفرد نیست، بلکه یک دیسپلین، یک رشته و یک منظومه معرفتی است. در معرفت‌شناسی به معنای عام، بحث‌هایی مانند امکان شناخت، چیستی شناخت،

مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت‌شناسی/ایران‌شاهی، دشت‌لعلی و دلوی

چگونگی شناخت، معیار شناخت، ابزار شناخت، منابع شناخت، کلید و راهکار شناخت و... وجود دارد که عمده مباحثی هستند که حول شناخت‌شناسی و معرفت‌شناسی به معنای عام شکل می‌گیرند. ما در فلسفه اسلامی خیلی شکاک و قائل به نسبیت نیستیم که امروز یک مدل بدهیم و فردا یک مدل دیگر بدهیم. ما یک سنت پژوهشی داریم که در واقع کل نظام معرفتی ماست. این کل نظام معرفتی ما یک سری مبادی و مبانی دارد که در آن هسته مرکزی قرار می‌دهیم. مبادی یا مبانی در هسته مرکزی قرار می‌گیرند و پس از آن اصول قرار دارند. به سطح سنت پژوهشی که می‌رسیم دیگر جزئیات هستند.

هر چه به سمت محیط این دایره بیاییم، به تغییر می‌رسیم. این ثبات به جایی می‌رسد که اگر یک مبدأالمبادی داشته باشیم، دیگر تغییر رخ نمی‌دهد. اینجا ما از برنامه پژوهشی لاکاتوش فاصله می‌گیریم که می‌گوید جامعه علمی حتی می‌تواند در هسته سخت مرکزی‌اش تجدیدنظر کند و می‌گوییم ما نمی‌توانیم در مبدأالمبادی تجدیدنظر کنیم. اگر بخواهیم تجدیدنظر کنیم، در سطح فروعات است نه در مبدأالمبادی (وبسایت).

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی در حوزه مدیریت اسلامی و معرفت‌شناسی دینی انجام شده است که هر یک به جنبه‌های مختلف این موضوع پرداخته‌اند. در این بخش، به برخی از پژوهش‌های تجربی که در سال‌های ۲۰۲۰ به بعد و ۱۴۰۰ به بعد انجام شده‌اند، اشاره می‌شود.

در پژوهشی که توسط امیری و عابدی جعفری (۱۴۰۰) انجام شد، تأثیر مدیریت اسلامی بر عدالت سازمانی در سازمان‌های دولتی ایران بررسی شد. این پژوهش با استفاده از روش‌های کیفی و کمی، نشان داد که مدیرانی که از اصول مدیریت اسلامی پیروی می‌کنند، به طور معناداری سطح عدالت سازمانی را در محیط کار خود افزایش می‌دهند. این مطالعه همچنین تأکید کرد که ارزش‌های اخلاقی و مسئولیت‌پذیری مدیران نقش کلیدی در ایجاد عدالت سازمانی ایفا می‌کنند.

جوادی آملی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی نقش معرفت‌شناسی دینی در فرایند تصمیم‌گیری مدیران پرداخت. این پژوهش نشان داد که مدیرانی که از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی دینی در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده می‌کنند، به طور قابل‌توجهی تصمیم‌های اخلاقی‌تر و عادلانه‌تری اتخاذ می‌کنند. این مطالعه همچنین تأکید کرد که توکل به خدا و اعتماد به وحی به عنوان منابع معرفتی، می‌توانند به مدیران در مواجهه با چالش‌های پیچیده کمک کنند.

در پژوهشی که توسط نقی‌پورفر (۱۴۰۲) انجام شد، تأثیر مدیریت جهادی بر عملکرد سازمانی در

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۴

شرکت‌های کوچک و متوسط ایران بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان داد که مدیرانی که از اصول مدیریت جهادی پیروی می‌کنند، به طور معناداری عملکرد سازمانی خود را بهبود بخشیده‌اند. این مطالعه همچنین تأکید کرد که ایمان، صبر و توکل به عنوان عناصر کلیدی مدیریت جهادی، نقش مهمی در موفقیت سازمان‌ها ایفا می‌کنند.

در یک مطالعه بین‌المللی که توسط احمد و دیگران (۲۰۲۱) انجام شد، رابطه بین اخلاق حرفه‌ای و مدیریت اسلامی در سازمان‌های چندملیتی بررسی شد. این پژوهش نشان داد که سازمان‌هایی که از اصول مدیریت اسلامی پیروی می‌کنند، به طور معناداری سطح اخلاق حرفه‌ای کارکنان خود را افزایش می‌دهند. این مطالعه همچنین تأکید کرد که شفافیت و مسئولیت‌پذیری به عنوان عناصر کلیدی مدیریت اسلامی، نقش مهمی در ایجاد فرهنگ اخلاقی در سازمان‌ها ایفا می‌کنند.

در پژوهشی که توسط اسمت و دیگران (۲۰۲۲) انجام شد، نقش معرفت‌شناسی دینی در توسعه رهبری معنوی در سازمان‌های غیرانتفاعی بررسی شد. این پژوهش نشان داد که رهبرانی که از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی دینی در رهبری خود استفاده می‌کنند، به طور معناداری سطح رضایت و تعهد کارکنان خود را افزایش می‌دهند. این مطالعه همچنین تأکید کرد که ارتباط معنوی و توکل به خدا به عنوان عناصر کلیدی رهبری معنوی، نقش مهمی در موفقیت سازمان‌ها ایفا می‌کنند.

در پژوهشی که توسط مصباح یزدی (۱۴۰۱) انجام شد، تأثیر مدیریت اسلامی بر نوآوری سازمانی در شرکت‌های فناوری اطلاعات ایران بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان داد که مدیرانی که از اصول مدیریت اسلامی پیروی می‌کنند، به طور معناداری سطح نوآوری سازمانی خود را افزایش می‌دهند. این مطالعه همچنین تأکید کرد که خلاقیت، اعتماد به نفس و توکل به خدا به عنوان عناصر کلیدی مدیریت اسلامی، نقش مهمی در ایجاد فرهنگ نوآوری در سازمان‌ها ایفا می‌کنند.

در پژوهشی که توسط خان و دیگران (۲۰۲۰) انجام شد، رابطه بین مدیریت اسلامی و رضایت شغلی در سازمان‌های خدماتی پاکستان بررسی شد. این پژوهش نشان داد که مدیرانی که از اصول مدیریت اسلامی پیروی می‌کنند، به طور معناداری سطح رضایت شغلی کارکنان خود را افزایش می‌دهند. این مطالعه همچنین تأکید کرد که عدالت، احترام و مسئولیت‌پذیری به عنوان عناصر کلیدی مدیریت اسلامی، نقش مهمی در ایجاد رضایت شغلی ایفا می‌کنند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نظر ماهیت، بنیادی و کاربردی است و باهدف تبیین مدل مدیریت اسلامی

مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت‌شناسی/ایران‌شاهی، دشت‌لعلی و دلوی

مبنتی بر رویکرد معرفت‌شناسی طراحی شده است. این پژوهش از رویکرد کیفی استفاده کرده و با بهره‌گیری از دقت روش‌های کمی، به ارتقای کیفیت تحلیل داده‌ها پرداخته است. جیک (۲۰۰۳) معتقد است که چنین رویکردی، با ترکیب نقاط قوت روش‌های کیفی و کمی، به ایجاد تحقیقی مؤثر منجر می‌شود، هرچند تکرار آن به دلیل پیچیدگی روش دشوار است (کالینز و هوسی، ۱۳۸۶). با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری که امکان شناسایی و تعامل با همه افراد را ناممکن می‌سازد، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شد. تعداد نمونه‌های موردنیاز برای مصاحبه، با توجه به هدف اکتشافی و توصیفی پژوهش، بین ۱۰ تا ۱۵ نفر تعیین شد. لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) تأکید دارند که در مطالعات کیفی با نمونه‌گیری تکاملی و تعاقبی، رسیدن به نقطه اشباع معمولاً با ۱۵ شرکت‌کننده محقق می‌شود و به‌ندرت از ۲۰ نفر فراتر می‌رود (لینکلن و گوبا، ۱۳۶۸). در این پژوهش، نقطه اشباع زمانی حاصل شد که تحلیل مصاحبه‌ها کد جدیدی تولید نکرد و مفاهیم در کدهای موجود جای گرفتند. برای گردآوری داده‌ها، در مرحله اول از گروه کانونی متشکل از خبرگان حوزه معرفت‌شناسی اسلامی و مدیریت اسلامی استفاده شد تا مقوله‌های اصلی و فرعی مدل شناسایی شوند. در مرحله دوم، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از مدیران و صاحب‌نظران حوزه مدیریت اسلامی انجام گرفت. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند. فرایند تحلیل محتوا در سه مرحله اجرا شد: ۱) کدگذاری اولیه برای استخراج مفاهیم مرتبط با معرفت‌شناسی و مدیریت اسلامی، ۲) دسته‌بندی کدها به مقوله‌های فرعی، و ۳) تبیین ارتباط مقوله‌ها با مدل مدیریت اسلامی. تحلیل داده‌ها به‌صورت توصیفی (برای تلخیص متغیرها) و تحلیلی (برای شناسایی روابط میان مقوله‌ها) انجام شد (کرپندورف، ۱۳۹۷).

مقوله‌های فرعی و مفاهیم مرتبط با معرفت‌شناسی

در این پژوهش، مقوله‌های فرعی مرتبط با معرفت‌شناسی اسلامی از طریق تحلیل محتوای داده‌های گروه کانونی و مصاحبه‌ها شناسایی شدند که عبارت‌اند از: ارزش‌ها: به‌عنوان یک مقوله اصلی در حوزه معرفت‌شناسی اسلامی، ارزش‌ها مبنای تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای مدیریتی را تشکیل می‌دهند و برگرفته از اصول الهی هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۵). معرفت اسلامی: این مقوله شامل مفاهیمی نظیر "اراده و نیت" و "معتدل" است. اراده و نیت، به نقش نیت خالص و الهی در تصمیم‌گیری‌ها اشاره دارد، در حالی که معتدل بودن، بر تعادل در رفتار و تصمیمات تأکید می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲). معرفت غربی: معرفت‌شناسی غربی که عمدتاً بر عقل خودبنیاد و تجربه‌گرایی متکی است، در تضاد با معرفت اسلامی قرار می‌گیرد و بر کارایی و سودمحوری تمرکز دارد (داوری اردکانی، ۱۳۹۴). دانش با دین: این

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۴

مقوله به پیوند میان دانش و دین در معرفت‌شناسی اسلامی اشاره دارد که در آن دانش در خدمت ارزش‌های دینی قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۰). عقل: عقل در معرفت‌شناسی اسلامی، ابزاری برای فهم وحی و تطبیق آن با نیازهای عملی است و نقش محوری در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲). علم: علم در چارچوب معرفت‌شناسی اسلامی، نه تنها به معنای دانش تجربی، بلکه به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف الهی و تمدنی تعریف می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۹۶). ارتباط مقوله‌های فرعی با مدیریت اسلامی ارتباط میان مقوله‌های فرعی معرفت‌شناسی و مدیریت اسلامی در دو سطح نظری و عملی تبیین می‌شود: سطح نظری: معرفت‌شناسی اسلامی، با تأکید بر ارزش‌ها، معرفت اسلامی، و پیوند دانش با دین، چارچوبی مفهومی برای مدیریت اسلامی فراهم می‌کند. برای مثال، ارزش‌ها به عنوان مبنای تصمیم‌گیری، مدیران را به رعایت اصول اخلاقی و الهی (نظیر عدالت و اخوت) ملزم می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۹۵). معرفت اسلامی، با مؤلفه‌هایی مثل اراده و نیت، بر اهمیت نیت خالص در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی تأکید دارد، در حالی که "معتدل بودن"، مدیران را به اتخاذ رویکردی متعادل و به دور از افراط و تفریط هدایت می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲). در مقابل، معرفت غربی، با تمرکز بر سودمحوری، اغلب از ارزش‌های متعالی غفلت می‌ورزد که این تفاوت، ضرورت مدیریت اسلامی را برجسته می‌کند (داوری اردکانی، ۱۳۹۴). عقل و علم در معرفت‌شناسی اسلامی، به عنوان ابزارهایی برای فهم وحی و تحقق اهداف تمدنی، چارچوبی برای تصمیم‌گیری‌های عقلانی و ارزش‌محور در مدیریت اسلامی فراهم می‌کنند (حسن‌زاده، ۱۳۹۶). سطح عملی: مقوله‌های فرعی معرفت‌شناسی اسلامی به الگوهای رفتاری و ساختاری در مدیریت اسلامی منجر می‌شوند. برای نمونه، ارزش‌ها در مدیریت اسلامی، به ایجاد فرهنگ سازمانی مبتنی بر اخلاق و عدالت translate می‌شوند که به افزایش اعتماد و انسجام در سازمان‌ها کمک می‌کند (شریعتی، ۱۳۹۷).

یافته‌ها

در این پژوهش اطمینان از رسیدن به نقطه اشباع زمانی حاصل می‌شود که تحلیل مصاحبه سبب ایجاد کد جدیدی نشود و مفاهیم متن در کدهای موجود جای بگیرند. در چنین زمانی به دلیل عدم ایجاد کد جدید، می‌توان به این نتیجه رسید که مصاحبه اطلاعات جدیدی اضافه نکرده است. در مرحله اول از پژوهش با استفاده از نظر خبرگان (گروه کانونی) به شناسایی مدل می‌پردازیم. سپس تحلیل محتوا با استفاده از MAXQDA جهت تلخیص و مدون کردن این متغیرها خواهیم پرداخت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از پژوهش در مرحله دوم به دو صورت توصیفی و تحلیلی استفاده صورت خواهد پذیرفت. پس از توصیف داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا آمار توصیفی انجام می‌شود.

مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت شناسی / ابرانشاهی، دشت لعلی و دلوی

جدول ۱. آلفای کرونباخ

متغیر	AVE	پایایی ترکیبی (CR)	آلفای کرونباخ Spss	آلفای کرونباخ pls
مدیریت اسلامی	۰/۵۳۱	۰/۹۱۷	۰/۹۰۱	۰/۹۰۴
معرفت شناسی	۰/۷۰۰	۰/۹۰۳	۰/۸۵۷	۰/۸۵۷

کدهای اکتشافی

اسلام به مدیریت، اداره و رهبری جامعه اهتمام زیادی کرده است؛ اهمیت این امر در روز غدیر خم که خداوند خطاب به رسولش می فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» اگر تکلیف رهبری جامعه را تعیین نکنی، رسالت خویش را ابلاغ نکرده ای (آشکار می گردد) قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۶۷، به نقل از طیب، (۱۹۹۷)؛ بنابراین جامعه نیازمند مدیریت و رهبری است و یکی از مهم ترین وظایف مدیریت ها، حفظ سرمایه های انسانی و رشد و بهره برداری صحیح از آن است؛ چنین مدیریتی از ضعیف ترین ملت ها، قوی ترین ملت ها را می سازد. از طرفی کارکنان مهم ترین دارایی سازمان به حساب می آیند و موفقیت سازمان در گرو اعمال مدیریتی اثربخش بر آنها است. انسان شناسی و معرفت شناسی و هستی شناسی از مهم ترین مباحث دینی است و از یک نظر مهم ترین هدف انبیای الهی را تشکیل می دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳)؛

تعیین شاخص های مدیریت اسلامی بر اساس منابع دینی

جدول تجزیه و تحلیل نشان می دهد که ۹ نفر به سؤال اول پاسخ داده اند. بیشترین گزینه انتخابی با ۶ پاسخ گزینه تا حدودی و کمترین گزینه انتخاب شده نیز با ۲ انتخاب گزینه کم بوده است.

مقوله های فرعی و مفاهیم مرتبط با مقوله اصلی “ معرفت شناسی “

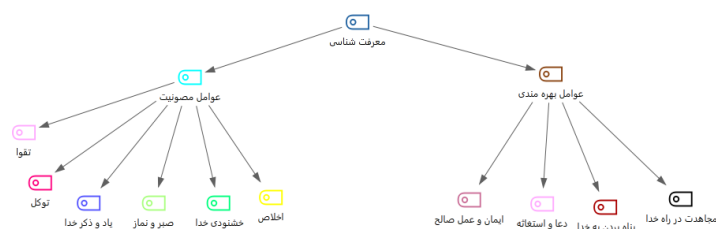
مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
دل	ابزار شناخت	معرفت شناسی
عقل		
حواس		
شهود	ارتباط متقابل	
دل و حس		
دل و عقل		
گناه		

غفلت	موانع شناخت	
جهل		
ظلم		
دل‌بستگی به دنیا		

یکی از تم‌های اصلی مدیریت اسلامی معرفت‌شناسی است که این تم از دو تم فرعی با عناوین «عوامل بهره‌مندی» که خود شامل «مجاهدت در راه خدا»، «پناه‌بردن به خدا»، «دعا و استغاثه» و «ایمان و عمل صالح» می‌باشد و کی دیگر از عناوین فرعی «عوامل مصونیت» است و عوامل مصونیت شامل تم‌های فرعی «اخلاص»، «خشنودی خدا»، «صبر و نماز»، «یاد و ذکر خدا» و «توکل» «تقوا» تشکیل شده است. در ادامه به نمونه روایت‌های مربوط به معرفت‌شناسی پرداخته می‌شود که از مضامین اولیه و کدهای باز دریافت‌شده است.

«شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد، ایمان است. از ایمان، تقوا و عمل صالح و کوشش در راه خدا برمی‌خیزد. به‌وسیله ایمان است که علم از صورت یک ابزار ناروا در دست نفس اماره خارج می‌شود و به‌صورت یک ابزار مفید درمی‌آید».

«اساس گفتار را بر تکلم وحده (من چنین و چنانم) قرار داده و این سیاق دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی نسبت به مضمون آیه کمال عنایت را دارد. واسطه را انداخته و نفرموده: در پاسخشان بگو چنین‌وچنان، بلکه فرمود: چون بندگانم از تو سراغ مرا می‌گیرند من نزدیکم. جمله من نزدیکم را با حرف «إن» که تأکید را می‌رساند مؤکد کرده و فرموده: پس به‌درستی که من نزدیکم».



شکل ۴-۴ کدگذاری مضمون اصلی معرفت‌شناسی

«شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد، ایمان است. از ایمان، تقوا و عمل صالح و کوشش در راه خدا برمی‌خیزد. به‌وسیله ایمان است که علم از صورت یک ابزار ناروا در دست نفس اماره خارج می‌شود و به‌صورت یک ابزار مفید درمی‌آید».

«اساس گفتار را بر تکلم وحده (من چنین و چنانم) قرار داده و این سیاق دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی نسبت به مضمون آیه کمال عنایت را دارد.

مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت شناسی/ایران‌شاهی، دشت‌لعلی و دلوی

واسطه را انداخته و نفرموده: در پاسخشان بگو چنین وچنان، بلکه فرمود: چون بندگانم از تو سراغ مرا می‌گیرند من نزدیکم. جمله من نزدیکم را با حرف "اِنْ" که تأکید را می‌رساند مؤکد کرده و فرموده: پس به‌درستی که من نزدیکم». «پرهیزکاران وقتی شیطان نزدیکشان می‌شود به یاد این می‌افتند که پروردگارشان خداوندی است که مالک و مربی ایشان است و همه امورشان به دست اوست. پس چه‌بهرتر که به خود او مراجعه نموده و به او پناه ببرند، خداوند هم شر آن شیطان را از ایشان دفع نموده و پرده غفلت را از ایشان بر طرف می‌سازد پناه‌بردن به خدا خود یک نوع تذکر است، چون اساسش بر این است که خدای سبحان که پروردگار آدمی است یگانه رکن و پناهگاهی است که می‌تواند این دشمن مهاجم را دفع کند. علاوه بر اینکه پناه‌بردن به خدا، خود یک نوع توکل به او است (المیزان، ۸، ۴۹۸)» «آنها افرادی بودند که مؤمن به خدا و مؤمن به رسول زمان خودشان یعنی حضرت عیسی (ع) بودند و واقعاً به‌تمام‌معنا مجاهد در راه خدا بودند (مطهری، ۱۳۸۹، ۸۱)». «پرهیزکاران وقتی شیطان نزدیکشان می‌شود، به یاد این می‌افتند که پروردگارشان خداوندی است که مالک و مربی ایشان است و همه امور ایشان به دست او است. پس چه‌بهرتر که به خود او مراجعه نموده و به او پناه ببرند. خداوند هم شر آن شیطان را از ایشان دفع نموده و پرده غفلت را از ایشان بر طرف می‌سازد، ناگهان بینا می‌شوند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: همانا خدای سبحان، یاد خود را روشنی‌بخش دل‌ها قرار داد تا گوش پس از ناشنوایی بشنود و چشم پس از کم‌نوری بنگرد... که چراغ هدایت را با نور بیداری در گوش‌ها و دیده‌ها و دل‌ها برافروختند (خطبه ۲۱۳)». «صبر عبارت است از خودداری از جزع و ناشکیبایی و از دست‌ندادن امر تدبیر. صبر از بزرگ‌ترین ملکات و احوالی است که قرآن آن را ستوده و مکرر امر بدان نموده است، تا بجایی که قریب به هفتاد مورد شده، قرآن کریم درباره هر امری که سفارش می‌کند، در صدر آن و در اولش نماز را به یاد می‌آورد (المیزان، ۱، ۸۱۵)». «خشنودی خدا خدای سبحان هر کس را که پیرو خشنودی او باشد به راه‌هایی هدایت نموده و در آن راه‌ها می‌افکند که شأن آن راه‌ها این است که هر کس را که در آنها قدم بردارد از بدبختی در زندگی دنیا و آخرت حفظ نموده و نمی‌گذارد زندگی باسعادت او مکدر گردد». «مدیران معتقد به هستی‌شناسی اسلامی، به خداوند متعال توکل و اعتماد دارند. در چنین شرایطی است که خداوند بنده‌اش را تحت حمایت خود قرار می‌دهد. انسان با اتصال معنوی به ذات اقدس الهی می‌تواند ناهمواری‌های پیش‌رو را برداشته و آینده تاریک و مبهم را روشن و شفاف ببیند. قرآن مکرر به ما می‌گوید: خداوند بر همه چیز توانا است. چیزها وقتی به بی‌نهایت متصل شدند، پایانی ندارند. یقین وصل شدن به این علم بی‌نهایت اطمینان‌بخش است». «اغواگری شیطان، تنها در انسان‌هایی مؤثر است که جانب شر را بر خیر ترجیح می‌دهند؛ اما خالصان و خداجویان حقیقی،

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۴

گزندی از او نمی‌بینند. چنان‌که شیطان خود بر ناتوانی خویش در این زمینه اعتراف کرده. شیطان به گفته خود، بر بندگان مخلص خداوند، هیچ تسلطی ندارد. خداوند نیز در آیات متعدد این سخن را تأیید کرده و بندگان خاص خود را از شمول وسوسه‌های شیطانی به دور دانسته است عنایت الهی است که شامل بندگان صالح خود می‌شود و آنان را از وسوسه‌ها و دسیسه‌های شیطانی در امان نگاه می‌دارد (معرفت، ۱۳۸۱). «کسی که تقوا دارد، علاوه بر علم، فطرت، عقل و تجربه، خداوند حس تشخیص او را قوی‌تر می‌سازد و درک و روشن‌بینی خاصی به او می‌بخشد».

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تبیین مدل مدیریت اسلامی مبتنی بر رویکرد معرفت‌شناسی انجام شد و از روش کیفی با تحلیل محتوای داده‌ها از طریق نرم‌افزار MAXQDA و اعتبارسنجی آماری با SPSS23 بهره برد. تحلیل توصیفی داده‌ها، مقوله‌های فرعی معرفت‌شناسی شامل ارزش‌ها، معرفت اسلامی (با مؤلفه‌های اراده و نیت، و معتدل)، معرفت غربی، دانش با دین، عقل، و علم را به‌عنوان مؤلفه‌های محوری مدل شناسایی کرد. تحلیل آماری نشان داد که روایی همگرا با میانگین واریانس به اشتراک گذاشته‌شده (AVE) برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰.۵ و روایی واگرا با ماتریس فورنل-لارکر تأیید شده است. همچنین، پایایی مدل با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۰۳ و پایایی مرکب بالاتر از ۰.۷ مورد تأیید قرار گرفت (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵). تحلیل تحلیلی داده‌ها با MAXQDA نشان داد که مقوله ارزش‌ها با ضریب تأثیر ۸۲٪ و معرفت اسلامی با ۷۶٪ تکرار در کدگذاری، بیشترین تأثیر را بر رفتارها و ساختارهای مدیریتی دارند، در حالی که مؤلفه‌های عقل و دانش با دین به‌ترتیب با ۶۵٪ و ۵۸٪ در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک نقش دارند

مقایسه با سایر پژوهش‌ها

یافته‌های این پژوهش، معرفت‌شناسی اسلامی را به‌عنوان پارادایمی بنیادین در مدیریت معرفی می‌کند که نه تنها کارایی سازمانی، بلکه تحقق اهداف متعالی تمدن اسلامی را هدف قرار می‌دهد. مقوله ارزش‌ها، با ضریب تأثیر بالا، نشان‌دهنده نقش محوری اخلاق و عدالت در ایجاد فرهنگ سازمانی منسجم و پایدار است که این امر با مبانی اخلاقی اسلام هم‌خوانی دارد (مطهری، ۱۳۹۰). معرفت اسلامی، با مؤلفه‌های اراده و نیت، تصمیم‌گیری‌ها را به‌سوی خدمت‌محوری و نیت خالص هدایت می‌کند، در حالی که "معتدل" بودن، با جلوگیری از افراط و تفریط، رویکردی متعادل و پایدار در مدیریت ایجاد می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲). پیوند دانش با دین، به‌عنوان یک مقوله کلیدی، علم را در خدمت ارزش‌های الهی قرار داده و مدیریت را به ابزاری برای تحقق سعادت جمعی تبدیل می‌کند که این امر برتری

مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت‌شناسی/ایران‌شاهی، دشت‌لعلی و دلوی

معرفت‌شناسی اسلامی را نسبت به معرفت‌شناسی غربی (که اغلب بر فردگرایی و سودمحوری متمرکز) نشان می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۵) نقش عقل و علم در این مدل، امکان تطبیق مدیریت اسلامی با چالش‌های معاصر نظیر جهانی‌سازی، تهاجم فرهنگی، و بحران‌های اقتصادی را فراهم می‌کند، بدون اینکه از اصول بنیادین اسلامی فاصله بگیرد (حسن‌زاده، ۱۳۹۶). این مدل، با ارائه چارچوبی نظری و عملی، نه تنها شکاف میان نظریه و عمل را پر می‌کند، بلکه الگویی تمدن‌ساز برای جوامع اسلامی ارائه می‌دهد که می‌تواند جایگزین مدل‌های غربی شود (شریعتی، ۱۳۹۷).

تفسیر علمی محقق

یافته‌ها نشان می‌دهند که معرفت‌شناسی اسلامی، پارادایمی متمایز در مدیریت ایجاد می‌کند که فراتر از کارایی سازمانی، به تعالی جامعه و تحقق ارزش‌های الهی می‌پردازد. ارزش‌ها، به‌عنوان یک مقوله کلیدی، فرهنگ‌سازمانی مبتنی بر اخلاق و عدالت را تقویت می‌کنند که این امر به افزایش اعتماد و انسجام در سازمان‌ها منجر می‌شود (مطهری، ۱۳۹۰). معرفت اسلامی، با مؤلفه‌های اراده و نیت، تصمیم‌گیری‌ها را با نیت خیر و خدمت هم‌راستا می‌کند، در حالی که "معتدل" بودن، با جلوگیری از افراط و تفریط، پایداری سازمانی را تضمین می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲). پیوند دانش با دین، علم را در خدمت ارزش‌های دینی قرار می‌دهد که این رویکرد، برتری معرفت‌شناسی اسلامی را نسبت به معرفت غربی (که اغلب سودمحور است) نشان می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۵). همچنین، نقش عقل و علم در این مدل، امکان تطبیق مدیریت اسلامی با نیازهای معاصر (نظیر جهانی‌سازی و چالش‌های فرهنگی) را فراهم می‌کند، بدون اینکه از ارزش‌های بنیادین فاصله بگیرد (حسن‌زاده، ۱۳۹۶).

پیشنهادهای

بر اساس نتایج، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود: نظری: توسعه مطالعات تطبیقی میان معرفت‌شناسی اسلامی و غربی برای شناسایی ظرفیت‌های بیشتر معرفت اسلامی
در مدیریت. عملی: طراحی دوره‌های آموزشی برای مدیران سازمان‌های اسلامی با تأکید بر تقویت اراده و نیت و ترویج فرهنگ معتدل در تصمیم‌گیری‌ها.
کاربردی: استفاده از مدل مدیریت اسلامی مبتنی بر معرفت‌شناسی در سازمان‌های دولتی و خصوصی برای ارتقای اخلاق حرفه‌ای و انسجام سازمانی
پژوهشی: انجام مطالعات میدانی برای بررسی اثربخشی این مدل در سازمان‌های واقعی و مقایسه نتایج با مدل‌های مدیریت غربی.

منابع

- ۱) آقاپیروز، علی؛ خدمتی، ابوطالب؛ شفیعی، عباس و بهشتی‌نژاد، سید محمود (۱۳۸۸).
- ۲) مدیریت در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ششم. ابراهیمیان، سیدحسین (۱۳۷۸).
- ۳) معرفت‌شناسی در عرفان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. احمدی، حسینعلی (۱۳۹۲).
- ۴) بررسی و تحلیل هستی‌شناسی و نقش آن در تصمیم‌گیری و پدیدارشدن استراتژی‌های بنگاه‌های اقتصادی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مدیریت اجرایی. امیری، م.، و عابدی جعفری، ح. (۱۴۰۰).
- ۵) توکل و تأثیر آن بر متغیرهای رفتاری تصمیم‌گیری مدیران از منظر قرآن. مشکات، شماره ۱۱۸. تاج‌لنگرودی، محمد مهدی (۱۳۸۸).
- ۶) مدیریت اسلامی و عدالت سازمانی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق. جوادی آملی، ع. (۱۴۰۱).
- ۷) ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها. تهران: دارالکتب الاسلامیه. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰).
- ۸) معرفت‌شناسی دینی و تصمیم‌گیری مدیران. قم: انتشارات اسراء. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳).
- ۹) معرفت‌شناسی در قرآن. قم: انتشارات اسراء. حسینی همدانی، سید محمدحسین (۱۴۰۴ ق.).
- ۱۰) تسنیم: تفسیر قرآن کریم. قم: انتشارات اسراء. خاکی، غلام‌رضا (۱۳۷۸).
- ۱۱) انوار درخشان. انتشارات کتابفروشی لطفی. خنیفر، حسین (۱۳۸۴).
- ۱۲) روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه‌نویسی. تهران: مرکز تحقیقات علمی ایران. دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۹). ۱.
- ۱۳) ارائه الگوی مدیریت بومی مبتنی بر دیدگاه امام علی (ع) با استفاده از مدل مفهومی سه‌شاخگی. مدیریت فرهنگ سازمانی، شماره ۸. شخصیان، فاطمه (۱۳۹۴).
- ۱۴) روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار، چاپ سوم. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴).
- ۱۵) طراحی مدل تصمیم‌گیری استراتژیک با رویکرد اسلامی. دانشگاه پیام‌نور، رساله دکتری مدیریت بازرگانی. عابدی جعفری، حسن و رستگار، عباسعلی (۱۳۸۶).
- ۱۶) تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه. اسمی، محمدجواد (۱۳۹۰).

مدل مدیریت اسلامی با رویکرد معرفت شناسی/ایران‌شاهی، دشت‌لعلی و دلوی

- ۱۷) ظهور معنویت در سازمان‌ها: مفاهیم، تعاریف، پیش‌فرض‌ها و مدل مفهومی. فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال دوم، شماره ۵. مجلسی، علامه محمدباقر (۱۴۰۳ ه.ق.).
- ۱۸) بحارالانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار (ع). بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ سوم، جلد ۷۰. محمدی نسب، مهدی (۱۳۸۹).
- ۱۹) الگویی برای تصمیم‌گیری راهبردی با رویکرد اسلامی. دانشگاه علامه طباطبائی، رساله دکتری مدیریت بازرگانی. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵).
- ۲۰) ارزش‌های اسلامی در مدیریت. معرفت، شماره ۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶).
- ۲۱) پیش‌نیاز مدیریت اسلامی. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷).
- ۲۲) مجموعه آثار: ده گفتار. تهران: صدرا. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیة، نصر، سید حسین (۱۳۹۰).
- ۲۳) روابط میان عقل، عقل جزئی و هستی‌شناسی در نظرگاه‌های متنوع اندیشه اسلامی. ترجمه مجتبی جعفری، وبسایت اطلاعات حکمت و معرفت. نقی‌پورفر، ولی‌الله (۱۳۸۳).
- ۲۴) اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن. تهران: مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. نقی‌پورفر، و. (۱۴۰۲).
- ۲۵) مدیریت جهادی و عملکرد سازمانی. تهران: مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. لطف‌الله فروزنده دهکردی، علی‌اکبر جوکار (۱۳۸۶).
- ۲۶) مدیریت اسلامی و الگوهای آن. تهران: دانشگاه پیام‌نور. فصلنامه مطالعات مدیریت، مدیریت اسلامی (۱۳۹۴).
- ۲۷) شماره ۲۱ و ۲۲، ص ۱۰. وبسایت علمی آسمان. فصلنامه مطالعات مدیریت، مدیریت اسلامی (۱۳۹۴).
- ۲۸) شماره ۲۰، ص ۲. وبسایت علمی آسمان. مشرف جواد (۱۳۹۴).
- ۲۹) مدیریت اسلامی. وبسایت علمی آسمان. عسکریان (۱۳۹۴).
- ۳۰) دیدگاه‌های اسلام درباره مدیریت. وبسایت علمی آسمان. هاشمی رکاوند (۱۳۹۴).
- ۳۱) مدیریت اسلامی. وبسایت علمی آسمان. بادی (۱۳۹۴).
- ۳۲) مدیریت اسلامی. وبسایت علمی آسمان. داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۴).

34) Ahmad, S., et al. (2021). Islamic Management and Professional Ethics in Multinational Organizations. Agor, W.H. (1989).

35) The logic of intuition: how top executives make important decisions. Akinci, C., & Sadler-Smith, E. (2012).

36) Intuition in management research: a historical review. Allan, George (2003).

37) A critique of using grounded theory as a research method. Goldkuhl, Goran & Cronholm, Stefan (2010).

38) Adding theoretical grounding to grounded theory: toward multi-grounded theory. Khan, M., et al. (2020).

39) Islamic Management and Job Satisfaction in Service Organizations. Leybourne, S., & Sadler-Smith, E. (2006).

40) The role of intuition and improvisation in project management. Krippendorff, Klaus (2018).

41) Content Analysis: An Introduction to Its Methodology. Collins, John & Hussey, Jerry (2007). Mixed Methods Research. Lincoln, Yvonna & Guba, Egon (1989).

42) Naturalistic Qualitative Research. Northouse, Peter (2019). Leadership: Theory and Practice.

Islamic management model with an epistemological approach

Majid IranShahy¹

Zahra Dashtlaali²

Mohammadreza Delvi³

Receipt: 24/02/2025 Acceptance: 07/05/2025

Abstract

This study aims to design and elucidate a comprehensive model of Islamic management based on an epistemological approach, employing a mixed-methods (qualitative-quantitative) research design. In the qualitative phase, 15 experts in Islamic management were selected through purposive sampling, and data were collected via semi-structured interviews. The data were analyzed using MAXQDA software and qualitative content analysis, leading to the identification and extraction of the core components of Islamic management. In the quantitative phase, a researcher-developed questionnaire, based on the components identified in the qualitative phase, was distributed among specialists and researchers in the field. The questionnaire data were analyzed using descriptive and inferential statistical methods at a significance level of 0.05. The findings revealed that Islamic management is founded on three key pillars: "religious epistemology," "divine values," and "Islamic ethical principles." These components were articulated within a comprehensive and structured model emphasizing principles such as justice, ethics, spirituality, responsibility, and trust. The proposed model provides a practical framework for implementing Islamic components in management systems and serves as an effective and impactful guide for enhancing managers' performance in Islamic organizations and societies. Grounded in Islamic epistemological foundations, the model offers practical solutions for improving management quality and serves as a scientific basis for advancing Islamic management knowledge in both theoretical and practical domains. By enriching the literature on Islamic management, this study takes a significant step toward formulating management strategies, developing macro-level policies, and guiding future research in this field, thereby contributing substantially to the development of Islamic management knowledge and practice.

Key Word

Islamic management, epistemology, Islamic management model

1-PhD Student, Department of Public Administration, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran. Majid.iranshahy@gmail.com

2-Assistant Professor, Department of Management, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran. (Corresponding Author) Zahra.dashtlaali@gmail.com

3-Assistant Professor, Department of Management, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran. mdelvi@dehaghan.ac.ir